

نقش و اهمیت فرهنگ به‌عنوان بستر و زیرساخت اصلی، از نظرها مکتوم و پنهان مانده است. یا چندان شفاف و مورد توجه اساسی قرار نگرفته است. اما امروزه، به‌مرور با پیچیده‌تر شدن شرایط اجتماعی و عدم توفیق بسیاری از کشورها و چندین دهه بحث و پژوهش در مورد توسعه، اکثر متفکران و اندیشمندان بر این امر متفق‌القولند که نقطه آغازین حرکت توسعه و پیشرفت، فرایند فرهنگ است، زیرا به تجربه و در عمل ثابت شده است که بدون وجود شالوده‌های فرهنگی مناسب، باور نیل به توسعه چیزی بیش از توهم نیست. امروزه آینده‌پژوهان و محققان معتقدند که بعد از سپری‌شدن دوران جدال‌های نظامی (در گذشته تا دهه ۱۹۷۰) و رقابت‌های اقتصادی، نوبت به سیر تکاملی در صحنه فرهنگی رسیده است. بنابراین چگونگی شیوه‌ها، ابزار و ساز و کار رسیدن به توسعه و تعالی، پرسش جدی و مهم فراوی اندیشمندان در حوزه‌های مختلف است. برخی از نظریه‌پردازان توسعه با طرح تئوری‌های خطی، بر تقلید صرف از غرب اصرار می‌ورزند و برخی دیگر به بومی‌سازی نظر دارند؛ اما در هر دو شیوه، متغیر فرهنگ به‌عنوان شالوده و مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتی محسوب می‌شود؛ زیرا اوج و فرود یک جامعه، رابطه مستقیمی با فرایند مدیریت فرهنگ دارد. مقوله‌ای که دشمنان به‌خوبی آن را دریافته‌اند و آگاهانه به‌دنبال استحاله آن در راستای نیات و مقاصد خود هستند. دکتر مخبر دزفولی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، در اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی ضمن

مهندسی فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ سرد فرهنگی و... از جمله واژه‌هایی هستند که از سوی مقام معظم رهبری برای روشن‌گری و تنویر افکار دولتمردان، مسؤولان، اصحاب رسانه و آحاد جامعه نسبت به پدیده تهاجم فرهنگی بر آن‌ها تاکید شده است. به‌واقع، مهندسی فرهنگی به‌عنوان زمینه‌ساز گشایش افق‌های جدید و فراهم‌شدن مقدمات لازم برای نیل به فرهنگ مطلوب و متعالی انسان‌ها، داشتن یک جامعه پیشرفته توأم با معنویت، اخلاق و فضیلت‌های اخلاقی و نیز به‌منظور گسترش فرهنگ اصیل دینی- ملی، یک ضرورت انکارناپذیر به‌شمار می‌رود. در خصوص مهندسی فرهنگی که در راستای تدوین و اجرای سند چشم‌انداز بیست‌ساله ترسیم می‌شود، دغدغه اصلی این است که تأثیر هر نوع فعالیت و تصمیم‌گیری در حال وقوع در عرصه فرهنگ، شناسایی و مبتنی بر اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت فرهنگی، اصلاح شود. دکتر حسن حبیبی، رئیس فرهنگستان زبان فارسی و عضو شورای عالی فرهنگی معتقد است: «مهندسی فرهنگی به معنای طراحی، محاسبه، اجرا و الگوسازی است که در این صورت، یک معنای نسبتاً قابل قبول و جامعی پیدا خواهد کرد.»

ضرورت و لزوم مهندسی فرهنگی

طی سالیان متمادی، ذهنیت حاکم بر بسیاری از کشورها در زمینه توسعه، صرفاً به کاربری منابع طبیعی و جغرافیایی، ظرفیت‌های اقتصادی و توانمندی‌های صنعتی معطوف بوده است؛ درحالی که

مجموعه طاهری

این که فرهنگ را پایدارترین حوزه اجتماع و مشخص کننده شکل و ماهیت حرکت جامعه می‌داند، می‌گوید: «در مهندسی فرهنگی کشور، جایگاه فرهنگ باید به گونه‌ای ترسیم شود که جهت اصلی و غایت سیاست‌گذاری‌ها را در کل بیکره نظام اجتماعی تعیین کند.» درحقیقت، مهندسی فرهنگی به مثابه تاکتیکی همه‌جانبه برای دفع خطرات، آسیب‌ها و آفت‌های وارده بر کالبد جامعه تلقی می‌شود که از یک سو در امر توسعه به‌عنوان زیرساختار و امکان مدیریت‌پذیری و از سوی دیگر، پیش‌فرض مهندسی فرهنگی به‌حساب می‌آید. برخی از کشورهای جهان، دارای سیاست‌های فرهنگی صریح (مدون) یا نیمه‌صریح و برخی ضمنی (نانوخته) می‌باشند. در میان کسانی که مقوله فرهنگ را به‌عنوان یک ضرورت در توسعه پذیرفته‌اند، دو دیدگاه عمودی و افقی وجود دارد. در دیدگاه عمودی، بخش‌های خاصی از فرهنگ مورد عنایت و توجه بیش‌تری قرار می‌گیرند، اما در دیدگاه افقی، تمامی حوزه‌های فرهنگ از اهمیت یکسانی برخوردارند و برای همه، حق رشد و تعالی منظور شده است. البته مهندسی فرهنگ در جامعه به یکباره صورت نمی‌گیرد، بلکه تحول و پویایی و انقلاب از طریق مهندسی فرهنگی، با ابزار تفکر و تعقل مستمر، یعنی طراحی مجدد و نوسازی آن، انجام‌پذیر است. تکاپو و حرکت پیوسته چرخه مهندسی فرهنگی منجر به آماده‌سازی و ایجاد بستری مناسب برای تبادل و تعامل افکار بین‌نخبگان و صاحب‌نظران می‌شود که در این عرصه می‌توان اقدام به استحکام‌بخشیدن به زیرساخت‌های فرهنگی در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کرد و به نقشه مهندسی فرهنگی دست یافت.

در طول تاریخ، استعمارگران از حربه‌های فرهنگی برای استیلای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... خود بسیار بهره جسته‌اند، لذا تنها با آنتی‌تز مهندسی فرهنگی می‌توان نقشه‌های آن‌ها را خنثی و بی‌اثر کرد. پروفسور مولانا در این رابطه معتقد است: «شناخت کامل فرهنگ دینی، خود الگوی مهندسی فرهنگی است. ما بدون ارجاع به اسلام ناب محمدی (ص) نمی‌توانیم در مورد مهندسی فرهنگی صحبت کنیم. زاینی‌ها ۵۰ سال پیش به بررسی فرهنگ خودشان با همین مقوله مهندسی فرهنگی پرداختند و آمریکایی‌ها را به تعجب واداشتند؛ وقتی علت را جویا شدیم، گفتند ما باید تناقضات فرهنگی خودمان را برطرف می‌کردیم.» مقام معظم رهبری نیز می‌فرماید: «از طریق مهندسی فرهنگی درمی‌یابیم که فرهنگ ملی، فرهنگ عمومی و حرکت عظیمی که در درون جامعه به‌وجود می‌آید باید چگونه باشد، اشکالات و نواقض چیست، چگونه باید رفع شود و در نهایت کنده‌ها و تعارضاتش کجاست.»

مهندسی فرهنگی نبوی

در راستای به‌کارگیری مهندسی فرهنگی، توجه به هندسه نبوی (ص) حایز اهمیت است. این نوع نگرش که به‌عنوان بن‌مایه دین اسلام، همواره به آن تاکید و سفارش شده است، در چهار ضلع زیر مورد بررسی و استفاده قرار می‌گیرد:

۱- دانش و معرفت نسبت به عناصر هستی ۲- تولید، ترسیم و تبیین ارزش‌ها و مکارم اخلاقی ۳- خودشناسی و شکوفایی استعدادها ۴- مسؤلیت‌پذیری در تشخیص تکالیف و هنر برخوردها و تعاملات چهارگانه انسانی.

پیامبر اکرم صلوات‌الله علیه در مهندسی فرهنگی مدینه‌النبی خود، تقویت و تعالی حس هم‌دردی و مسؤلیت‌پذیری آحاد جامعه را مدنظر داشته‌اند. پیوند و ارتباط بین رهرو و راهنما، هم‌گرایی و همراهی در اندیشه، فکر، گفتار و رفتار و مجموعه امور زندگی در اسلام مبتنی بر سیریه نبوی تنظیم و تثبیت شده است؛ یک مهندسی اصیل فرهنگی اسلامی که با پیاده کردن کامل آن

می‌توانیم خود و جامعه‌مان را در برابر انواع تهاجمات دشمنان واکسینه کنیم و حتی بر آن‌ها غالب شویم. رهبر فرزانه انقلاب در جایی می‌فرماید: «مقوله مهندسی فرهنگی به عهده حکومت است؛ یعنی نظارت هوشمندانه، متفکرانه، آگاهانه، مراقبت از هرزروی نیروها و هدایت آن‌ها به سمت و سوی درست، کمک به رشد و ترقی فرهنگی افراد جامعه؛ از این‌رو باید آحاد جامعه بتوانند راه صحیح رشد خود را پیش ببرند. ما نه معتقد به ولنگاری و رهاسازی هستیم و نه معتقد به سخت‌گیری شدید، اما اعتقاد به نظارت، مدیریت، دقت، برنامه‌ریزی و شناخت درست از واقعیات داریم. در مقوله فرهنگ، مسؤولان دولتی باید دل‌سوزانه و مثل باغبان عمل کنند. باغبان نهال را می‌کارد و به‌موقع آبیاری می‌کند، به‌هنگام هرس یا سم‌پاشی می‌کند و... باید فضای فرهنگی کشور را هم باغبانی کرد؛ یعنی مسؤولانه و دل‌سوزانه به این فرایند مهم و حیاتی رسیدگی نمود...» (هفته‌نامه صبح صادق).

نمونه‌ای از مهندسی فرهنگی

فرهنگ، روح جاری در همه فعالیت‌ها و بستر اصلی حرکت عمومی جوامع است. روی کردی که با رصد آن می‌توان در سایر عرصه‌ها برنامه‌ریزی داشت. ایالات متحده آمریکا یکی از کشورهایی است که از مدت‌ها قبل، مهندسی فرهنگی را در جامعه خود پیاده کرده است. پروفیسور مولانا در این رابطه می‌گوید: «در آمریکا از آغاز جمهوریت تا امروز، وزارت‌خانه‌ای به نام فرهنگ وجود ندارد برای این که آن‌ها فکر می‌کنند فرهنگ خیلی بزرگ‌تر از یک وزارت‌خانه است، زیرا به تمام وزارت‌خانه‌ها تعلق دارد و همه بخش‌های خصوصی، به‌ویژه سرمایه‌داری آمریکا که بخش اقتصاد، مالی و بازرگانی را کاملاً در دست دارد باید مهندسی این کار را به‌دست بگیرد. دید کنونی فرهنگ آمریکا، حاصل تاریخ و تکثر فرهنگی ساکنان آن است، کشوری که شاید روزگاری تبعیدگاه و یا محل فرار جامعه گریزان انگلوساکسونی محسوب می‌شد، با یک برنامه‌ریزی منسجم و هماهنگ پس از مدت‌های مدید از جنگ‌های داخلی ایالات خود را متحد کرد و برنامه امپراطوری‌اش را پی‌ریخت؛ برنامه‌ای که تاکنون بر صحنه نمایش دنیا یکه‌تازی می‌کند. راز موفقیت و جهان‌گشایی این چنینی چیزی نیست جز کاربردی کردن علوم دانشگاهی و استفاده بهینه از محصولات علمی آن به دور از تعصبات، جبهه‌گیری‌ها و سیاست‌بازی‌های آکادمی‌ها.» در واقع عقبه بربریسیم فرهنگی انگلوساکسون‌های مهاجر در اتاق‌های فکر گم شد، به‌شکلی که سیل مهاجرت دانشمندان به سوی این کشور سرازیر شد، که البته این قضیه جز با سیاست‌گذاری و مدیریت (مهندسی فرهنگی) امکان‌پذیر نبوده است. شدت بها دادن آمریکا به علوم و دانشمندان، به‌خصوص عالمان اجتماعی، هم‌چنین یکی دیگر از عوامل بقای این تمدن نوظهور در برابر سیستم کهنه‌کار و فریبنده کمونیسم جماهیر شوروی محسوب شده است. موقعی که در آمریکا، ۲۵ درصد مردم بی‌سواد بودند، در شوروی، طبق آمار، تنها یک درصد بی‌سواد وجود داشت؛ تعدد دانشجویان و روشن‌فکران اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز بیش از آمریکا بود؛ اما چرا ساختار نظام سیاسی و اجتماعی آن فروپاشید؟ مولانا ریشه این شکست را در عدم توانایی شوروی در به‌کارگیری مهندسی فرهنگی می‌داند. همواره پروسه‌ای به‌عنوان پایه و اساس حرکت جامعه، باعث پیشرفت و اهمال و بی‌توجهی در آن، موجب پسرفت می‌شود. لذا با این تفاسیل و با در نظر گرفتن این که رهبر فرزانه انقلاب، تاکید و سفارش زیادی به استحکام فرهنگی دارند، باید بدان توجه بیش‌تری می‌ذول داشت تا در راستای آن بتوان به چشم‌انداز بیست‌ساله جامعه عمل پوشاند و سیر تکاملی جامعه را با سرعت و در عین حال با کم‌ترین ضایعه طی کرد. ■

مهندسی فرهنگی چیست؟
 چگونه می‌توان فرهنگ را مهندسی کرد؟
 مهندسی فرهنگی چیست؟
 مهندسی فرهنگی چیست؟
 مهندسی فرهنگی چیست؟
 مهندسی فرهنگی چیست؟